مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال چهارم)
شماره ۱۳ / پاییز ۱۳۹۷ / ص ۴۲-۱۹

بررسی تأثیرات و دلایل جرم گرایی اطفال و نوجوانان در شهرستان خوی

شبنم کاردار[۱]

[۱]کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، کارشناس قراردادها، شهرداری خوی، خوی، ایران.

نام نویسنده مسئول:

شبنم کاردار

چکیده

رشد ۱۵درصدی بزهکاری اطفال و نوجوانان شهرستان خوی در مقایسه با سه سال گذشته و ناتوانی و یا شاید سهل انگاری خانواده ها و همچنین مسئولین ذی ربط در پیشگیری از جرم گرایی هر چه بیشتر آنها، لزوم بررسی و ریشه یابی علل بزهکاری در این شهرستان را موجب شده است. این پژوهش با هدف شناخت علل بزهکاری اطفال و نوجوانان شهرستان خوی و همچنین ارائه ی راهکارهای عملی مناسب جهت ممانعت و پیشگیری زودرس از طریق خانواده های این شهر از گرایش اطفال و نوجوانان به بزهکاری انجام گرفته است. در این پژوهش با استفاده از تحقیقات میدانی، و به روش تحلیلی و توصیفی پرداخته شده است و از یک سو با روش آمار توصیفی و استنباطی به بررسی ویژگی ها و مشکلات اطفال و نوجوانان بزهکار شهرستان خوی و خانواده های آنان پرداخته شده و از سوی دیگر با بررسی شرایط خانواده های اطفال و نوجوانان غیر بزهکار و موفق این شهر، به ارائه ی الگوها و پیشنهادات مناسب تربیتی اقدام شده است. به منظور گردآوری اطلاعات اقدام به توزیع پرسشنامه بین دو گروه بزهکار و سالم و مقایسه شرایط زندگی آنها با یکدیگر کرده ایم. نتایج مطالعات این پژوهش نشان می دهد که عمده ترین علت بزهکاری اطفال و نوجوانان بزهکار شهرستان خوی ریشه در خانواده دارد. این افراد دارای خانواده هایی با مشکلات و کاستی های بسیار زیادی می باشند که در بزهکاری آنها تاثیر مستقیمی دارند. بنابراین اگر اقدامات اصلاحی از طریق مراجع قانونی، دولتی، اجتماعی و ...در جهت آموزش و حمایت از خانواده ها و ارزش و بها دادن به نقش و تاثیر خانواده ها در آینده در جهت پیشگیری زودرس از بزهکاری صورت بگیرد، می توان نقش خانواده ها را در پیشگیری از گرایش فرزندان به بزهکاری افزایش داد.

واژگان کلیدی: جرم گرایی، اطفال، نوجوانان، خانواده، شهرستان خوی.

۱. مقدمه

موضوع پژوهش فوق در مورد بررسی دلایل انحراف گرایی اطفال و نوجوانان شهرستان خوی می باشد و نقش خانواده به عنوان مانع بزهکاری اطفال و نوجوانان مطرح می باشد. در شهرستان خوی عوامل گوناگون با تاثیر گذاری های متغیر خود در جنبه های مختلف زندگی اطفال و نوجوانان در گرایش آنها بسوی بزهکاری نقش مهمی را ایفا می کنند. این عوامل عبارتند از: شرایط نامساعد و آلوده ی خانواده در نتیجه ی ناسازگاری، فساد و انحرافات اخلاقی، طلاق و جدایی، تبعیض و کمبود محبت و... و همچنین مهاجرت، فقر اقتصادی، دوستان ناباب، وسایل ارتباط جمعی آلوده. اطفال و نوجوانان وابستگی عجیبی به اعضای خانواده ی خود دارند و به سرعت خلق و خو، رفتار و منش درست و یا نادرست آنها،کودکان را تحت تاثیر قرار می دهد.کودکان شهرستان خوی، آداب و رسوم، نحوه برخورد و ارتباط با محیط و اعضای خانواده یا جامعه و به طور کلی نحوه بسیاری از کنش ها و واکنش های اجتماعی را در دوران کودکی از والدین کسب می کند و تمامی این موارد نشان دهنده ی تاثیر گذاری شگرف خانواده در اعمال و رفتارهای آینده ی کودکان این شهر می باشد[۱]. اکثر اطفال و نوجوانان بزهکار شهرستان خوی اوایل زندگی خود را با پاکی و دوری از هرگونه فساد و بزهکاری سپری می کنند ولی ناگهان روزی در نتیجه ی مواجهه با آلودگی ها و انحرافات خانوادگی، اجتماعی و... راهی را جز گرایش به سوی بزهکاری نمی یابند. ریشه ی بسیاری از دردهای اطفال و نوجوانان این شهر در خانواده ی آنها است نه خود آنها از اینرو باید به دنبال راهی بود که از ارتکاب روزافزون جرایم در این شهرستان جلوگیری کرد. مرهم بسیاری از دردهای اطفال و نوجوانان این شهرستان نیز در دستان اعضای خانواده، بویژه والدینشان می باشد. زیرا آنها اخلاق و منش، شخصیت و هویت خویش را در محیط خانه و در بین اعضای خانواده ی خویش در نتیجه ی مشاهده ی اعمال و رفتارهای آنها کسب می کنند[۲]. با توجه به روند پژوهش می توان این سوالات را مطرح کرد که آیا می توان رابطه ای بین شرایط اقتصادی خانواده وگرایش نوجوانان شهرستان خوی به سوی بزهکاری پیدا کرد؟ و آیا عوامل اجتماعی نقشی در گرایش نوجوانان شهرستان خوی به سوی بزهکاری دارند؟ و آیا محیط سالم و بدور از هر گونه فساد و آشفتگی و... خانواده می تواند مانعی در مقابل انحراف گرایی اطفال و نوجوانان شهرستان خوی باشد؟ در این پژوهش سعی خواهد شد یکایک عواملی راکه در بزهکاری اطفال و نوجوانان شهرستان خوی نقش ایفا می کنند، شناسایی و مورد بررسی قرار بگیرند و به سوالات مطرح شده پاسخ داده شده و از سوی دیگر با بررسی اعمال و رفتارهای خانواده های سالم و غیر بزهکار این شهر در مقابل اطفال و نوجوانانشان، علل عدم گرایش فرزندان آنها، به سوی جرم و بزهکاری مورد شناسایی و بحث و بررسی قرار داده خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه بزهکاری اطفال و نوجوانان پایان نامه ها و مقالات عدیده ای نگاشته شده است که عبارتند از: فخرالدین کشمیری پایان نامه ای در سال۱۳۷۴با عنوان بررسی عوامل بزهکاری اطفال و نوجوانان نگاشته اند. علیرضا ناصریان مقاله ای در سال۱۳۷۶ درموردزمینه ها وعوامل بزهکاری اطفال و نوجوانان نوشته اند. توران روزبهانی در سال۱۳۷۸ پایان نامه ای با عنوان نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان(با تکیه بر نظم در خانواده) نگاشته اند. حسن زنگوئی در سال ۱۳۷۸پایان نامه ای با عنوان بررسی علل بزهکاری نوجوانان پسر سال سوم راهنمائی ناحیه ۷ مشهد نگاشته اند. زهره قاسم‌خانی مقاله ای در سال۱۳۸۶ در مورد علل بزهکاری اطفال و نوجوانان نوشته اند. فریده نظام‌آبادی در سال ۱۳۸۸ پایان نامه ای در مورد بررسی عوامل موثر بر بزهکاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت اراک با تکیه بر نظریه جامعه‌پذیری نگاشته اند. صمصام الله یاری در سال ۱۳۸۸پایان نامه ای در مورد بررسی عوامل بزهکاری نوجوانان پسر شهرستان شاهین شهر دوره ی متوسطه تحصیلی نگاشته اند.

۴. مبانی نظری پژوهش

۱،۴. مفاهیم لغوی و اصطلاحی

طفل: در فرهنگ لغت طفل به معنای کوچک از هرچیز, کودک، بچه، نوزاد، بچه‌کوچک‌انسان، پسر یا دخترخردسال، صغیر، فرزندی که به حد بلوغ نرسیده(پسر یا دختر). جمع: اطفال[۳]. در تعریف کودک گفته شده است: الطِّفْلُ: الولدُ ما دام ناعما، طفل تا زمانی گفته می شود که فرزند بدنش نرم باشد. در مبانی حقوقی اسلام معمولاً از آغاز تولد تا حدود ۱۲ تا ۱۳ سالگی را دوران کودکی می‌نامند و به دوره قبل از دبستان و بعد از دبستان تقسیم می‌کنند. در یک تقسیم‌بندی دیگر، کودک را طی ۲ دوره مورد مطالعه قرار می دهند. دوره قبل از تمییز از ولادت تا ۷ سالگی و دوره بعد از تمییز و تشخیص از ۷ سالگی تا ظهور بلوغ (صبی ممیز). کودک یا صغیر در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد. در ایران در سال‌های اخیر مفهوم «طفل» دچار ابهام و آشفتگی فراوانی شده به گونه‌ای که در حال حاضر به جای یک تعریف واحد از کودک، تعاریف متعددی وجود دارد[۴].

نوجوان: به معنی پسر و دختری که تازه پا به مرحله جوانی گذاشته می باشد(۱۰تا۱۹ سالگی). دایره‌المعارف بریتانیکا، نوجوانی را به عنوان دوره‌ای بین کودکی و بزرگسالی، حالت جوان شدن، رسیدن به بزرگسالی تعریف کرده است[۵]. برخی از صاحب نظران معتقدند، نوجوانی حدود سنی ۱۲ تا ۱۸ سالگی را دربرمی گیرد و مرحله انتقال از دوران طفولیت به دوره جوانی است. در این مرحله فرد نه تنها از لحاظ فیزیولوژیک درخود تغییراتی می بیند، از لحاظ فکری و نوع نگرش به زندگی در او تغییراتی ایجاد می گردد[۶]. در کتب قانونی تعریفی از مرحله نوجوانی نشده است ولی کتاب قانون محدوده سنی بلوغ را که همزمان با دوره نوجوانی است را مشخص کرده و سن بلوغ در پسر را پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری دانسته است[۷]. در تعاریفی که از نوجوانی به عمل آمده است، گذر از کودکی به بزرگسالی با تغییر شرایط جسمی و روانی مشهود است[۸]. نوجوانی با ظهور بلوغ جنسی آغاز می‌شود و با خاتمه نگرانی‌ها و ناراحتی‌های آن خاتمه می‌یابد. گروهی دیگر نوجوانی را برزخی میان نیاز به وابستگی به بزرگسالان و بی‌نیازی و وابستگی به خویشتن تعریف کرده‌اند[۹].

خانواده: در فرهنگ لغت خانواده به معنای خاندان، خیل خانه، تبار، دوده، دودمان، اهل‌خانه، زن و فرزند، فامیل، مجموعه افراد دارای پیوند نسبی و سببی[۱۰]. خانواده یک واحد اجتماعی است که هدف از آن در نگاه قرآن, تأمین سلامت روانی برای سه دسته است; زن و شوهر, پدر و مادر و فرزندان و ایجاد آمادگی برای برخورد و رویارویی با پدیده های اجتماعی است[۱۱]. خانواده را گروهی متشکل از افراد، دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی می کنند که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مردی تشکیل می دهد[۱۲]. اساس تشکیل آن این است که زن و مردی می کوشند اراده خود را بر تأسیس آن و قبول تکالیفی که شرع برای آنها معین کرده است، محقق سازند. بر این اساس خانواده یک تأسیس حقوقی به حساب خواهد آمد که اعضای آن با رشته خونی با هم پیوند پیدا می کنند. جامعه شناسان خانواده را یک پدیده تاریخی می دانند که از اجتماع کلی جدا نیست[۱۳].

۲,۴. مبانی عام

اکثر اطفال و نوجوانان بزهکار قربانی شرایط نامساعد و آشفته ی خانواده خود و یا اجتماع شده اند. زندگی در خانواده ای که اعضای آن هر روز به خاطر مواجه شدن با ناسازگاری ها، فساد وانحراف گرایی ها، اعتیاد، طلاق و جدایی ها، مرگ و غم ها و... با ضرب و شتم، داد و فریاد، شکستن در و پنجره و حتی شکستن دست و پای یکدیگر، روز را به شب و شب را به روز می رسانند، روزی طاقت ها را طاق، سکوت ها را تبدیل به خشم،کتک خوردن ها را تبدیل به کتک زدن، گریه ها را تبدیل به فریاد و در نهایت گوشه گیری ها را تبدیل به فرار از زندان خانه خواهد کرد. مشکلات ناشی از بی پولی و فقر نیز کودکان و نوجوانان را از رسیدن به آرزوهایشان محروم می کنند و حسرت پوشیدن لباس تازه، خوردن غذاهای لذیذ، خریدن رایانه و گوشی، داشتن خانه ای زیبا و...را در دلهای آنها می گذارند و آنها را مجبور به سپری کردن ایام با کوله باری از مشکلات و عقده ها می کنند و در نهایت آنها را مجبور به عصیان برای دست یافتن به آرزوهایشان و دست یافتن به شرایط مطلوب می کنند[۱۴]. مواجه شدن با مشکلات روحی،کودکان و نوجوانان را به جای پناه بردن به خانواده به سوی محیط های اجتماعی می کشاند. با افراد ناباب باب دوستی را می گشایند، بر سر کوچه ها جولان می دهند، از کشیدن اولین نخ سیگار خوشحال می شوند و با خوردن مشروب و مصرف مواد مخدر آرام می گیرند. از تماشای فیلم ها و برنامه های غیر اخلاقی لذت می برند و در نهایت روزی با طناب محیط های اجتماعی آلوده و افراد فاسد، در چاه فلاکت و بدبختی می افتند[۱۵]. ازجمله عوامل اساسی شکل گیری شخصیت و منش فردی و اجتماعی کودک خانواده است. خانه محلی است که کودک در آن امور مختلف را فرا می گیرد و طرز معاشرت با دیگران ر ا می آموزد. در این محیط است که اخلاق، راه زندگی و فلسفه اجتماعی منعکس می شود و بسیاری از رفتارهای آدمیان چه رفتارهای صحیح و ستودنی و چه رفتارهای نادرست از محیط خانواده کسب می گردد. فرد آداب و رسوم، نحوه برخورد و ارتباط با محیط و اعضای خانواده یا جامعه و به طور کلی نحوه بسیاری از کنش ها و واکنش های اجتماعی را در دوران کودکی از والدین کسب می کند. وضعیت فرد از نظر طبقه خانوادگی، موقعیت اجتماعی خانواده، بهنجار یا نابهنجار بودن آن در آینده و رفتار فرد تأثیرمی گذارد. بنابراین روشن است که خانواده ها با وجود چنین تاثیر زیاد در کودکان، در صورتی که دارای کارکردی مطلوب باشد، بهترین نهاد برای پیشگیری از انحراف فرزندان خود به سوی کژرفتاری ها و انجام جرم می باشند[۱۶].

۳,۴. مبانی خاص

هر چند عوامل گوناگون با تاثیرگذاریهای متغیر خود باعث گرایش اطفال و نوجوانان شهرستان خوی بسوی جرم می گردند. ولی مهمترین علت بزهکاری کودکان این شهر ریشه در خانواده دارد. اکثر این افراد با متاثر شدن از اوضاع و احوال نا به سامان، نامتعادل و فاسد خانواده هایشان، در نتیجه ی وجود عوامل گوناگونی چون: اختلافات خانوادگی، پرخاشگری و تنبیه، کمبود و نبود محبت، افراط در محبت، کثرت اولاد و مشکلات ناشی از آن، طلاق و جدایی، اعتیاد، فساد و انحراف گرایی اعضای خانواده و اجبار، تشویق، ترغیب و... فرزندانشان به سوی انحراف گرایی و... به سوی انجام اعمال بزهکارانه کشیده می شوند. در مقابل، خانواده های سالم و غیر بزهکار شهرستان خوی، از یک سو با اصلاح رفتارهای نادرست خود و از سوی دیگر با اعمال روشهایی مطابق با اصول تربیتی و اخلاقی همچون: محبت به اعضای خانواده،

برقراری دوستی و صمیمیت بین اعضای خانواده، عدم اعمال تبعیض بین فرزندان، تقویت و اعمال ارزش های دینی و اخلاقی در زندگی، جلوگیری از تحریک جنسی فرزند، احترام گذاشتن و حفظ شخصیت، پرهیز از اعمال خشونت، علاقه مند ساختن فرزندان به تحصیل و مدرسه، خودداری از افراط و تفریط درکنترل و نظارت، مراجعه به مشاوران و افراد با تجربه ی فامیل به منظور راهنمایی جستن از آنها توانسته اند امنیت و آرامش مورد نیاز را به فرزندانشان اعطا و آنان را تبدیل به افرادی سالم و به هنجار کنند[۱۷].

۵. روش تحقیق

در این پژوهش با استفاده از تحقیقات میدانی، و به روش تحلیلی و توصیفی پرداخته شده است و از یک سو با روش آمار توصیفی و استنباطی به بررسی ویژگی ها و مشکلات اطفال و نوجوانان بزهکار شهرستان خوی و خانواده های آنان پرداخته شده و از سوی دیگر با بررسی شرایط خانواده های اطفال و نوجوانان غیر بزهکار و موفق این شهر، به ارائه ی الگوها و پیشنهادات مناسب تربیتی اقدام شده است. به منظور گردآوری اطلاعات اقدام به توزیع پرسشنامه بین دو گروه بزهکار و سالم و مقایسه شرایط زندگی آنها با یکدیگر کرده ایم.

۶. فرضیهٔ تحقیق

فرضیه اول: بین شرایط اقتصادی خانواده وگرایش اطفال و نوجوانان شهرستان خوی به سوی بزهکاری ارتباط وجود دارد.

فرضیه دوم: بین عوامل اجتماعی و گرایش نوجوانان شهرستان خوی به سوی بزهکاری ارتباط وجود دارد

فرضیه سوم: محیط سالم و بدور از هر گونه فساد و آشفتگی و...خانواده می تواند مانعی در مقابل انحراف گرایی اطفال و نوجوانان شهرستان خوی باشد.

۷. محدوده مورد مطالعه

خوی یکی از کهن‌ترین مراکز تمدن در شمال غرب ایران و کانون بسیاری از حوادث تاریخی بوده است و به دلیل واقع شدن در مسیر جاده ابریشم و جاده تجارتی شرق و غرب، مورد بازدید بسیاری از جهانگردان و ایرانشناسان واقع شده‌است. جمعیت این شهرستان طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ برابر با ۳۶۵۵۷۳ نفر بوده‌است که از این تعداد ۱۸۳۵۵۶ نفر آنان مرد و ۱۸۲۰۱۷ نفر آنان زن می باشد شهر خوی در دشتی نسبتا وسیع در شمال غرب ایران واقع شده است و جزء شهرهای استان آذربایجان غربی می باشد. طول جغرافیایی آن ۴۵ درجه و۱۵ دقیقه و عرض جغرافیایی آن ۳۸ درجه و ۳۷ دقیقه می باشد. این شهر از طرف جنوب به شهر سلماس و از طرف جنوب غرب به خاک ترکیه و از جانب شمال و مغرب به شهرستان ماکو و از جانب مشرق به شهرستان مرند محدود می شود. دشت خوی که آن را به مناسبت پست بودنش "خوی چوخور" می نامند، در حدود چهل و پنج کیلومتر طول و چهل و پنج کیلومتر عرض دارد و در ارتفاع ۱۱۰۳ متر از سطح دریا قرار دارد. این شهر دارای چهار شهر،پنج بخش،چهارده دهستان و دویست و نود و دو آبادی می باشد و فاصله آن از تهران ۷۸۰ و از تبریز ۱۶۵ کیلومتر بوده و جاده ترانزیتی ایران- اروپا از ۳۰ کیلومتری آن عبور می‌کند.

۸. یافته های تحقیق

۱،۸. متدولوژی تحقیق

به منظور گردآوری اطلاعات، شرایط و اوضاع و احوال زندگی اطفال و نوجوانان سالم و بزهکار و مقایسه ی آن دو با یکدیگر، دو گروه به نامهای گروه بزهکار و گروه سالم و یا شاهد مورد بررسی قرار گرفته شده است. هر گروه متشکل از ۵۰ تن از نوجوانان ۱۴- ۱۸سال می باشد. برای جمع آوری اطلاعات و تنظیم آنها از روش آمار توصیفی و استنباطی استفاده کرده ایم . بعد از گزارش فراوانی و درصد توزیع هر کدام از متغیر ها در دو گروه سالم و بزهکار، جهت بررسی و آزمون تفاوت در هریک از متغیرهای اندازه گیری شده در دو گروه نوجوانان سالم و بزهکار، از آزمون کای دو(chi square) استفاده کرده ایم و سطح معنی داری برای آزمون تفاوت توزیع هر کدام از متغیرها در دو گروه، ۰/۰۵ =a در نظر گرفته شده است. در آزمون تفاوت توزیع هر کدام از متغیرها در دو گروه، فرضیه های مورد آزمون و قاعده ی تصمیم در مورد رد و یا قبول نظریه های مطرح شده بصورت زیر می باشد:

توزیع متغیر در دو گروه بزهکار و سالم یکسان است:H0

توزیع متغیر در دو گروه بزهکار و سالم یکسان نیست:H1

که اگر سطح معنی داری یا p-value کمتر از مقدار از پیش تعیین شده ۰/۰۵ =a باشد مبنی بر رد فرضیه H0 بوده و حاکی از این است که توزیع متغیر در دو گروه تفاوت معنی داری در سطح ۰/۰۵دارد. به عبارتی می توان گفت که متغیر مورد نظر می تواند عاملی در گرایش به بزهکاری از سوی نوجوانان باشد.

از سوی دیگر، برای بررسی و آزمون تاثیر هر کدام از عوامل پرسیده شده در بزهکاری نوجوانان بزهکار و همچنین تاثیر عوامل مطرح شده در سالم ماندن نوجوانان گروه شاهد یا نوجوانان سالم از آزمون نسبت دو جمله ای(Binomial test) استفاده شده است. سطح معنی داری برای آزمون تفاوت توزیع هر کدام از متغیرها در دو گروه a= ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است. در این آزمون نسبت افراد با گزینه های زیاد و خیلی زیاد در هر سوال مطرح شده با مقدار ثابت ۴۰٪ مقایسه شده است. از آنجا که تعداد گزینه های موجود در هر سوال ۵ گزینه می باشد و اگر هر فرد در پاسخ گویی به آن سوال به گزینه های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد ۴۰٪ پاسخ دهد، می توان آن سوال مطرح شده را عاملی برای بزهکاری فرد بزهکار یا عاملی برای سالم ماندن فرد سالم(زیرا برای افراد سالم سوالات به صورت عکس مطرح شده اند)در نظر گرفت. فرضیه های مورد آزمون و قاعده تصمیم در مورد رد یا قبول فرضیه های مطرح شده بصورت زیر می باشد.

نسبت افراد با گزینه های زیاد و خیلی زیاد کمتر از حد انتظار است. $H0:p\leq0.40$

نسبت افراد با گزینه های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار است. $H0:p\geq0.40$

که اگر سطح معنی داری یا p-value کمتر از مقدار از پیش تعیین شده ۰/۰۵ =a باشد مبنی بر رد فرضیه H0 بوده و حاکی از این است که سوال مطرح شده عاملی در گرایش نوجوانان به بزهکاری می باشد.

۲،۸. ابزار جمع آوری اطلاعات

به منظور گردآوری اطلاعات اقدام به توزیع پرسش نامه در بین دو گروه از نوجوانان بزهکار و سالم (شاهد)۱۸-۱۴ساله شهرستان خوی کردیم. پرسش نامه ها متشکل از دو بخش می باشند. بخش اول با ۲۰ سوال، اقدام به پرسیدن سوالات گوناگون در مورد شرایط، اوضاع و احوال زندگی دو گروه کرده است. بخش دوم نیز با ۲۵ سوال پنج گزینه ای از نوجوانان بزهکار و سالم علل انحراف گرایی و عدم گرایش به بزهکاری آنها را مورد بررسی قرار داده است. پاسخ دهندگان به صورت تصادفی انتخاب شده اند و با توجه به سابقه ذهنی و تجربی خود در مقابل هر سوال حق انتخاب گزینه را دارند.

۳،۸. تجزیه و تحلیل آماری داده ها

۱. توزیع فراوانی تعداد خانوار در دو گروه بزهکار و سالم

بیشترین فراوانی در گروه بزهکار مربوط به خانواده های پرجمعیت ۷۲٪ و در گروه سالم مربوط به خانواده های کم جمعیت۶۶٪ می باشد. برای مقایسه توزیع تعداد خانوار در دو گروه نوجوانان بزهکار و سالم از آزمون کای دو Chi Square test استفاده شده است. مقدار۲۵/۵۲=χ^2 و P-value = ۰/۰۰۰ حاکی از تفاوت معنی دار تعداد خانوار در دو گروه بزهکار و سالم می باشد.

۲. توزیع فراوانی تحصیلات والدین در دو گروه بزهکار و سالم

بیشترین فراوانی در گروه بزهکار مربوط به والدین بی سواد و یا دارای مدرک سیکل۸۴٪ می باشد و در گروه سالم مربوط به والدین دارای مدرک لیسانس و فوق لیسانس۴۰٪ می باشد. در خانواده هایی با تحصیلات پایین میزان بزهکاری بالاتر بوده است. جهت مقایسه وضعیت تحصیلات در دو گروه از آزمون کای دو استفاده شده و مقدار۳۳/۵۲=χ^2 و P-value = ۰/۰۰۰ حاکی از تفاوت معنی دار توزیع تحصیلات در دو گروه بزهکار و سالم می باشد.

۳. توزیع فراوانی وضعیت طبقاتی و مالی در دو گروه بزهکار و سالم

بیشترین فراوانی در گروه بزهکار مربوط به طبقات فقیر ۷۰٪ و در سالم مربوط به طبقات متوسط ۵۶٪ می باشد. در بررسی و مقایسه وضعیت طبقاتی در دو گروه با استفاده از آزمون کای دو، مقدار۳۴/۱۰=χ^2 و P-value = ۰/۰۰۰ حاکی از تفاوت معنی دار وضعیت طبقاتی در دو گروه بزهکار و سالم می باشد.

۴. توزیع فراوانی نوع رفتار و روابط سرپرستان با فرزندان در دو گروه بزهکار و سالم

توزیع فراوانی نوع رفتار و روابط سرپرستان با فرزندان در دو گروه بزهکار و سالم را نشان می دهد. بیشترین فراوانی در گروه بزهکار مربوط به بدرفتاری و خشونت نسبت به فرزند ۳۶٪ و در گروه سالم مربوط به مهر و محبت نسبت به فرزند۹۰٪ می باشد. درمقایسه نوع رفتار و روابط سرپرستان با فرزندان در دو گروه با استفاده از آزمون کای دو، مقدار۴۶/۹۴=χ^2 و P-value = ۰/۰۰۰ حاکی از تفاوت معنی دار نوع رفتار و روابط سرپرستان با فرزندان در دو گروه بزهکار و سالم می باشد. نوع رفتار والدین با فرزندان نیز می تواند عاملی در بزهکاری نوجوانان به شمار آید.

۵. توزیع فراوانی نوع روابط والدین با یکدیگر در دو گروه بزهکار و سالم

توزیع فراوانی نوع روابط والدین با یکدیگر در دو گروه بزهکار و سالم را نشان می دهد. بیشترین فراوانی در گروه بزهکار مربوط عدم تفاهم و ناسازگاری والدین ۳۶٪ و در گروه سالم مربوط به تفاهم و سازش والدین ۸۰٪ می باشد. درمقایسه نوع رفتار والدین با یکدیگر در دو گروه ، مقدار۵۱/۲۶=χ^2 حاکی از تفاوت معنی دار نوع رفتار و روابط والدین با یکدیگر در دو گروه بزهکار و سالم می باشد

۶. توزیع فراوانی وضعیت سلامت اجتماعی خانواده در دو گروه بزهکار و سالم

توزیع فراوانی میزان سلامت اجتماعی خانواده در دو گروه بزهکار و سالم را نشان می دهد. بیشترین فراوانی در گروه بزهکار مربوط به آشفته و نامتعادل ۳۸٪ و در گروه سالم مربوط به سالم و متعادل۹۴٪ می باشد. درمقایسه سلامت اجتماعی خانواده در دو گروه با استفاده از آزمون کای دو، مقدار۵۶/۶۵=χ^2 و P-value = ۰/۰۰۰ حاکی از تفاوت معنی دار وضعیت سلامت اجتماعی خانواده در دو گروه بزهکار و سالم می باشد

۷. توزیع فراوانی وضعیت روانی سرپرست خانواده در دو گروه بزهکار و سالم

توزیع فراوانی وضعیت روانی سرپرست خانواده در دو گروه بزهکار و سالم را نشان می دهد. بیشترین فراوانی در هر دو گروه بزهکار و سالم مربوط به وضعیت روانی سالم و متعادل می باشد که در گروه بزهکار برابر ۶۸٪ و در گروه سالم ۹۲٪ می باشد. درمقایسه وضعیت روانی سرپرست در دو گروه با استفاده از آزمون کای دو، مقدار۹/۵۳=χ^2 و P-value = ۰/۰۲۳ حاکی از تفاوت معنی دار وضعیت روانی سرپرست خانواده در دو گروه بزهکار و سالم می باشد. در نوجوانان سالم، وضعیت روانی سالم و متعادل بیشتر از نوجوانان بزهکاربوده و در نوجوانان بزهکار وضعیت پرخاشگرانه نسبت به نوجوانان سالم بیشتر بوده است.

۸. توزیع فراوانی وضعیت کنترل و نظارت توسط سرپرست در دو گروه بزهکار و سالم

توزیع فراوانی وضعیت کنترل و نظارت توسط سرپرست در دو گروه بزهکار و سالم را نشان می دهد. بیشترین فراوانی در گروه بزهکار مربوط به آزادی مطلق با ۵۸٪ و در گروه سالم نبود سخت گیری و آزادی متعارف با ۸۰٪ می باشد. درمقایسه وضعیت کنترل و نظارت توسط سرپرست در دو گروه با استفاده از آزمون کای دو، مقدار۵۱/۹۵=χ^2 و P-value = ۰/۰۰۰ حاکی از تفاوت معنی دار وضعیت کنترل و نظارت توسط سرپرست در دو گروه بزهکار و سالم می باشد

۹. توزیع فراوانی نوع برنامه های مورد علاقه در رسانه های جمعی در دو گروه

توزیع فراوانی نوع برنامه های مورد علاقه در رسانه های جمعی در دو گروه بزهکار و سالم را نشان می دهد. بیشترین فراوانی در گروه بزهکار مربوط به برنامه های عشقی- جنسی با ۵۲٪ و در گروه سالم برنامه های خانوادگی با ۴۶٪ می باشد. درمقایسه نوع برنامه های مورد علاقه در رسانه های جمعی در دو گروه با استفاده از آزمون کای دو، مقدار۱۸/۱۹=χ^2 و P-value = ۰/۰۰۰ حاکی از تفاوت معنی دار نوع برنامه های مورد علاقه در رسانه های جمعی در دو گروه بزهکار و سالم می باشد

۱۰. توزیع فراوانی وضعیت اشتغال به تحصیل در دو گروه بزهکار و سالم

توزیع فراوانی وضعیت اشتغال بتحصیل در دو گروه بزهکار و سالم را نشان می دهد. بیشترین فراوانی در گروه بزهکار مربوط به ترک تحصیل با ۵۲٪ و در گروه سالم مشغول بتحصیل ۸۴٪ می باشد. ۱۴٪ از بزهکاران محروم از تحصیل بوده اند در صورتیکه هیچکدام از نوجوانان سالم، محروم از تحصیل یا بیسواد نبوده اند. درمقایسه وضعیت اشتغال بتحصیل در دو گروه با استفاده از آزمون کای دو، مقدار۲۷/۱۲=χ^2 و P-value = ۰/۰۰۰ حاکی از تفاوت معنی دار وضعیت اشتغال به تحصیل در دو گروه بزهکار و سالم می باشد

با توجه به یافته های جدول ۱، ۴۱ نفر از ۵۰ نفر (۸۲٪) از افراد بزهکار میزان سطح در آمد خانواده ها را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۱۴٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۴٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدارPvalue=0.000 حاکی از رد فرضیه H0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت پایین بودن سطح در آمد خانوار عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۸ نفر از ۵۰ نفر (۵۶٪) از افرادسالم میزان سطح در آمد خانواده ها را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند.۱۴٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۳۰٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدارPvalue=۰/۰۱۶ حاکی از رد فرضیه H0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت پایین بودن سطح در آمد خانوار عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۱: تاثیر درآمد در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیرگذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P -value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
پایین بودن سطح درآمد خانواده	بزهکار	تعداد	۲۱	۲۰	۲	۲	۵	۵۰	۰/۰۰۰
		درصد	۴۲	۴۰	۴	۴	۱۰	۱۰۰	
پایین نبودن سطح در آمد خانواده	سالم	تعداد	۱۶	۱۲	۱۵	۳	۴	۵۰	۰/۰۱۶
		درصد	۳۲	۲۴	۳۰	۶	۸	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۲،۲۶نفر از ۵۰ نفر (۵۲٪)از افراد بزهکار فقدان یا کمبود امکانات رفاهی را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۳۶٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۰۵۷=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت فقدان یا کمبود امکانات رفاهی عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۶ نفر از ۵۰ نفر (۴۳٪)از افراد سالم بهره گیری از امکانات رفاهی را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند.۳۹٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۸٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند.با استفاده از آزمون دو جمله ای ،مقدار۰/۲۳=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت بهره گیری از امکانات رفاهی عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۲ : تاثیر فقدان و یا بهره گیری از امکانات رفاهی در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P -value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
فقدان یاکمبود امکانات رفاهی	بزهکار	تعداد	۱۲	۱۴	۶	۷	۱۱	۵۰	۰/۰۵۷
		درصد	۲۴	۲۸	۱۲	۱۴	۲۲	۱۰۰	
بهره گیری از امکانات رفاهی	سالم	تعداد	۹	۸	۱۲	۱۷	۴	۵۰	۰/۲۳
		درصد	۲۱	۲۲	۱۸	۲۴	۱۵	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۳، ۳۲ نفر از ۵۰ نفر (۶۴٪) از افراد بزهکار میزان عدم برخورداری نوجوان از پول توجیبی را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۳۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۰۰۱=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت عدم برخورداری نوجوان از پول توجیبی عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۵ نفر از ۵۰ نفر (۵۰٪)از افراد سالم برخورداری از پول توجیبی را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند.۴۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۸٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۰۹۸=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت برخورداری از پول توجیبی عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۳: تاثیر برخورداری و یا عدم برخورداری از پول توجیبی در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P -value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
عدم برخورداری نوجوان از پول توجیبی	بزهکار	تعداد	۱۶	۱۶	۳	۷	۸	۵۰	۰/۰۰۱
		درصد	۳۲	۳۲	۶	۱۴	۱۶	۱۰۰	
برخورداری از پول توجیبی	سالم	تعداد	۱۳	۱۲	۴	۱۲	۹	۵۰	۰/۰۹۸
		درصد	۲۶	۲۴	۸	۲۴	۱۸	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۴، ۲۹ نفر از ۵۰ نفر (۵۸٪) از افراد بزهکار شاغل بودن توام والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۳۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای ،مقدارPvalue=۰/۰۰۲ حاکی از رد فرضیه H0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت شاغل بودن توام والدین عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۲ نفر از ۵۰ نفر (۴۴٪)از افراد سالم شاغل بودن توام والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند.۳۶٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲۰٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدارPvalue=۰/۳۳ حاکی از رد فرضیه H0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت شاغل بودن توام والدین عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۴: تاثیر شاغل بودن توام والدین در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P -value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
شاغل بودن توام والدین	بزهکار	تعداد	۱۷	۱۲	۶	۷	۸	۵۰	۰/۰۰۲
		درصد	۳۴	۲۴	۱۲	۱۴	۱۶	۱۰۰	
شاغل بودن توام والدین	سالم	تعداد	۱۰	۱۲	۱۰	۱۶	۲	۵۰	۰/۳۳
		درصد	۲۰	۲۴	۲۰	۳۲	۴	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۵، ۱۲ نفر از ۵۰ نفر (۲۴٪) از افراد بزهکار چند شغلی بودن پدر خانواده را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۵۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدارPvalue=۰/۹۹ حاکی از قبول فرضیه H0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد کمتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت چند شغلی بودن پدر خانواده عامل موثری در گرایش به بزهکاری نمی باشد. ۲۳ نفر از ۵۰ نفر (۴۶٪) از افراد سالم شاغل بودن توام والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند.۴۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۴٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای ،مقدارPvalue=۰/۲۳ حاکی از رد فرضیه H0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت چند شغلی نبودن پدر خانواده عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول۵: تاثیر چند شغلی بودن و نبودن والدین در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P -value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
چند شغلی بودن پدر خانواده	بزهکار	تعداد	۴	۸	۱۳	۹	۱۶	۵۰	۰/۹۹
		درصد	۸	۱۶	۲۶	۱۸	۳۲	۱۰۰	
چند شغلی نبودن پدر خانواده	سالم	تعداد	۱۵	۸	۷	۸	۱۲	۵۰	۰/۲۳
		درصد	۳۰	۱۶	۱۴	۱۶	۲۴	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۶، ۳۶ نفر از ۵۰ نفر (۷۲٪) از افراد بزهکار مهاجرت از روستا به شهر را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۲۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۰۰۰=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت مهاجرت از روستا به شهر عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۵ نفر از ۵۰ نفر (۵۰٪) از افراد سالم عدم مهاجرت از روستا به شهر را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند.۳۶٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۴٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۰۹۸=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت عدم مهاجرت از روستا به شهر عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۶: تاثیر مهاجرت از روستا به شهر در بزهکاری یا عدم جرم گرایی از دیدگاه دوگروه

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P - value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
مهاجرت از روستا به شهر	بزهکار	تعداد	۱۹	۱۷	۳	۷	۴	۵۰	۰/۰۰۰
		درصد	۳۸	۳۴	۶	۱۴	۸	۱۰۰	
عدم مهاجرت از روستا به شهر	سالم	تعداد	۱۴	۱۱	۷	۱۴	۴	۵۰	۰/۰۹۸
		درصد	۲۸	۲۲	۱۴	۲۸	۸	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۷، ۲۲ نفر از ۵۰ نفر (۴۴٪) از افراد بزهکار سکونت نوجوان در شهرهای مهاجرنشین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۴۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۳۳=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت سکونت نوجوان در شهرهای مهاجرنشین عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۲ نفر از ۵۰ نفر (۴۴٪) از افراد سالم سکونت نوجوان در شهرهای مهاجر نشین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند.۴۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۳۳=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت سکونت نوجوان در شهرهای مهاجر نشین عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۷: تاثیر سکونت در شهرهای مهاجرنشین در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه دو گروه

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P -value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
سکونت در شهرهای مهاجرنشین	بزهکار	تعداد	۱۱	۱۱	۸	۱۰	۱۰	۵۰	۰/۳۳
		درصد	۲۲	۲۲	۱۶	۲۰	۲۰	۱۰۰	
سکونت در شهرهای مهاجر نشین	سالم	تعداد	۱۲	۱۰	۸	۱۳	۷	۵۰	۰/۳۳
		درصد	۲۴	۲۰	۱۶	۲۶	۱۴	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۸، ۲۹ نفر از ۵۰ نفر (۵۸٪) از افراد بزهکار انتقال پدر و مهاجرت بخاطر کسب مسائل شغلی را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری موثر دانسته اند.۴۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۰۰۸=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت انتقال پدر و مهاجرت بخاطر کسب مسائل شغلی عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۵ نفر از ۵۰ نفر (۵۰٪)از افراد سالم عدم انتقال پدر و مهاجرت بخاطر کسب مسائل شغلی را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۰۹۸=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار

۴۰٪ بوده و می توان گفت عدم انتقال پدر و مهاجرت به خاطر کسب مسائل شغلی عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۸: تاثیر انتقال و عدم انتقال پدر و مهاجرت بخاطر کسب مسائل شغلی در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P -value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
انتقال پدر و مهاجرت بخاطر کسب مسائل شغلی	بزهکار	تعداد	۱۶	۱۳	۱	۱۱	۹	۵۰	۰/۰۰۸
		درصد	۳۲	۲۶	۲	۲۲	۱۸	۱۰۰	
عدم انتقال پدر و عدم مهاجرت بخاطر کسب مسائل شغلی	سالم	تعداد	۱۶	۹	۴	۱۷	۴	۵۰	۰/۰۹۸
		درصد	۳۲	۱۸	۸	۳۴	۸	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۹، ۴۷ نفر از ۵۰ نفر (۹۴٪)از افراد بزهکار معاشرت نوجوان با افراد ناباب و منحرف را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۶٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۰٪از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند.با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار Pvalue=۰/۰۰۰ حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت معاشرت نوجوان با افراد ناباب و منحرف عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۶ نفر از ۵۰ نفر (۵۲٪)از افراد سالم معاشرت با افراد سالم و به هنجار را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند.۳۶٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار Pvalue=۰/۰۵۷ حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت معاشرت با افراد سالم و به هنجار عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۹: تاثیر معاشرت و عدم معاشرت با افراد ناباب در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P -value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
معاشرت با افراد ناباب و منحرف	بزهکار	تعداد	۲۶	۲۱	۰	۳	۰	۵۰	۰/۰۰۰
		درصد	۵۲	۴۲	۰	۶	۰	۱۰۰	
معاشرت با افراد سالم و به هنجار	سالم	تعداد	۲۳	۳	۶	۱۰	۸	۵۰	۰/۰۵۷
		درصد	۴۶	۶	۱۲	۲۰	۱۶	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۱۰، ۴۱ نفر از ۵۰ نفر (۸۲٪)از افراد رسانه های گروهی و وسایل ارتباط جمعی آلوده را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۱۶٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای ،مقدار Pvalue=۰/۰۰۰ حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت رسانه های گروهی و وسایل ارتباط جمعی آلوده عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۶نفر از ۵۰ نفر (۵۲٪)از افراد سالم بهره گیری از وسایل ارتباط جمعی سالم را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند.۳۴٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۴٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار Pvalue=۰/۰۵۷ حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت بهره گیری از وسایل ارتباط جمعی سالم عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۱۰: تاثیر رسانه ها در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P -value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
رسانه های گروهی و وسایل ارتباط جمعی آلوده	بزهکار	تعداد	۲۵	۱۶	۱	۵	۳	۵۰	۰/۰۰۰
		درصد	۵۰	۳۲	۲	۱۰	۶	۱۰۰	
بهره گیری از وسایل ارتباط جمعی سالم	سالم	تعداد	۱۷	۹	۷	۱۱	۶	۵۰	۰/۰۵۷
		درصد	۳۴	۱۸	۱۴	۲۲	۱۲	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۱۱، ۲۸ نفر از ۵۰ نفر (۵۶٪)از افراد محیط های آموزشی نامناسب و فاسد را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۴۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای ،مقدار۰/۰۱۶=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت محیط های آموزشی نامناسب و فاسد عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۱۶ نفر از ۵۰ نفر (۳۲٪)از افراد سالم بهره گیری از محیط های

آموزشی سالم را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند.۵۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۶٪از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۸۵=Pvalue حاکی از قبول فرضیه H0 بوده. پس می توان گفت بهره گیری از محیط های آموزشی سالم عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار نمی آید.

جدول ۱۱: تاثیر محیط های آموزشی در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P -value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
محیط های آموزشی نامناسب و فاسد	بزهکار	تعداد	۱۸	۱۰	۱	۸	۱۳	۵۰	۰/۰۱۶
		درصد	۳۶	۲۰	۲	۱۶	۲۶	۱۰۰	
بهره گیری از محیط های آموزشی سالم	سالم	تعداد	۹	۷	۸	۱۴	۱۲	۵۰	۰/۸۵
		درصد	۱۸	۱۴	۱۶	۲۸	۲۴	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۱۲، ۱۳ نفر از ۵۰ نفر (۲۶٪)از افراد مرز و فساد های ناشی از آن را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۷۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۴٪از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۹۷=Pvalue حاکی از قبول فرضیه H0 بوده و می توان گفت مرز و فساد های ناشی از آن عامل موثری در گرایش به بزهکاری نمی باشد. ۹ نفر از ۵۰ نفر (۱۸٪)از افراد سالم عدم برخورداری از مفاسد ناشی از مرز را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند.۷۶٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند.با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۹۹= Pvalue حاکی از قبول فرضیه H0 بوده. پس می توان گفت عدم برخورداری از مفاسد ناشی از مرز عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار نمی آید.

جدول ۱۲: تاثیر مرز در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

با توجه به یافته های جدول ۱۳، نفر از ۵۰ نفر (۸۲٪)از افراد ناسازگاری والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۱۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۸٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار Pvalue=۰/۰۰۰ حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت ناسازگاری والدین عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۴۴ نفر از ۵۰ نفر (۸۸٪)از افراد سالم سازگاری والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند.۶٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار Pvalue=۰/۰۰۰حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت سازگاری والدین عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۱۳: تاثیر ناسازگاری و سازگاری والدین در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P -value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
عوامل تاثیر گذار	**گروه**							**جمع کل**	**P -value**
مرز و فساد های ناشی از آن	بزهکار	تعداد						۵۰	۰/۹۷
		درصد						۱۰۰	
عدم برخورداری از مفاسد ناشی از مرز	سالم	تعداد						۵۰	۰/۹۹
		درصد						۱۰۰	
ناسازگاری والدین	بزهکار	تعداد	۲۴	۱۷	۴	۵	۰	۵۰	۰/۰۰۰
		درصد	۴۸	۳۴	۸	۱۰	۰	۱۰۰	
سازگاری والدین	سالم	تعداد	۲۷	۱۷	۳	۳	۰	۵۰	۰/۰۰۰
		درصد	۵۴	۳۴	۶	۶	۰	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۱۴، ۴۳ نفر از ۵۰ نفر (۸۶٪)از افراد ترک یکی از والدین یا طلاق را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۱۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای ،مقدار Pvalue=۰/۰۰۰ حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت ترک یکی از والدین یا طلاق عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۴۳ نفر از ۵۰ نفر (۸۶٪)از افراد سالم عدم ترک یکی از والدین و یا طلاق را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند.۴٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۰٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای ، مقدار Pvalue=۰/۰۰۰ حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت عدم ترک یکی از والدین و یا طلاق عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۱۴: تاثیر ترک و طلاق و یا عدم وجود آن در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P - value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
ترک یکی از والدین یا طلاق	بزهکار	تعداد	۲۷	۱۶	۱	۳	۳	۵۰	۰/۰۰۰
		درصد	۵۴	۳۲	۲	۶	۶	۱۰۰	
عدم ترک یکی از والدین و یا طلاق	سالم	تعداد	۲۷	۱۶	۵	۱	۱	۵۰	۰/۰۰۰
		درصد	۵۴	۳۲	۱۰	۲	۲	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۱۵، ۳۷ نفر از ۵۰ نفر (۷۴٪)از افراد تبعیض و کمبود محبت را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۱۶٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۰٪از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار Pvalue=۰/۰۰۰ حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت تبعیض و کمبود محبت عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۳۹ نفر از ۵۰ نفر (۷۸٪)از افراد سالم عدم وجود تبعیض و کمبود محبت را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند.۸٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۴٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای ، مقدار Pvalue=۰/۰۰۰ حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت عدم وجود تبعیض و کمبود محبت عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۱۵: تاثیر وجود و یا عدم وجود تبعیض و کمبود محبت در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P -value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
تبعیض و کمبود محبت	بزهکار	تعداد	۲۳	۱۴	۵	۸	۰	۵۰	۰/۰۰۰
		درصد	۴۶	۲۸	۱۰	۱۶	۰	۱۰۰	
عدم وجود تبعیض و کمبود محبت	سالم	تعداد	۲۵	۱۴	۷	۳	۱	۵۰	۰/۰۰۰
		درصد	۵۰	۲۸	۱۴	۶	۲	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۱۶، ۴۲ نفر از ۵۰ نفر (۸۴٪)از افراد کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۱۴٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲٪از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند.با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار Pvalue=۰/۰۰۰ حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۴۶ نفر از ۵۰ نفر (۹۲٪)از افراد سالم عدم کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند.۴٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۴٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار Pvalue=۰/۰۰۰ حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت عدم کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۱۶: تاثیر کاربرد و عدم کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P -value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا	بزهکار	تعداد	۲۷	۱۵	۱	۵	۲	۵۰	۰/۰۰۰
		درصد	۵۴	۳۰	۲	۱۰	۴	۱۰۰	
عدم کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا	سالم	تعداد	۲۶	۲۰	۲	۱	۱	۵۰	۰/۰۰۰
		درصد	۵۲	۴۰	۴	۲	۲	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۱۷، ۴۲ نفر از ۵۰ نفر (۸۴٪)از افراد وجود اختلال روانی در والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۱۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۴٪از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۰۰۰=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت وجود اختلال روانی در والدین عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۳۰ نفر از ۵۰ نفر (۶۰٪)از افراد سالم سلامت روانی والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند.۲۴٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۰۰۳=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت سلامت روانی والدین عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۱۷: تاثیر وجود و یا عدم وجود اختلالات روانی والدین در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P -value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
وجود اختلال روانی دروالدین	بزهکار	تعداد	۲۶	۱۶	۲	۳	۳	۵۰	۰/۰۰۰
		درصد	۵۲	۳۲	۴	۶	۶	۱۰۰	
سلامت روانی والدین	سالم	تعداد	۲۲	۸	۸	۶	۶	۵۰	۰/۰۰۳
		درصد	۴۴	۱۶	۱۶	۱۲	۱۲	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۱۸، ۴۴ نفر از ۵۰ نفر (۸۸٪)از افراد فوت والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۱۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۰٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۰۰۰=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت فوت والدین عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۳۶ نفر از ۵۰ نفر (۷۲٪)از افراد سالم حضور والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند.۱۸٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۰٪از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای ،مقدار۰/۰۰۰=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت حضور والدین عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۱۸: تاثیرفوت و حضور والدین در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P -value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
فوت والدین	بزهکار	تعداد	۲۴	۲۰	۰	۴	۲	۵۰	۰/۰۰۰
		درصد	۴۸	۴۰	۰	۸	۴	۱۰۰	
حضور والدین	سالم	تعداد	۲۰	۱۶	۵	۵	۴	۵۰	۰/۰۰۰
		درصد	۴۰	۳۲	۱۰	۱۰	۸	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۱۹، ۴۶ نفر از ۵۰ نفر (۹۲٪)از افراد اعتیاد والدین یا اعضای خانواده را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۴٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۴٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۰۰۰=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت اعتیاد والدین یا اعضای خانواده عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۴۲ نفر از ۵۰ نفر (۸۴٪)از افراد سالم عدم وجود اعتیاد اعضای خانواده را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۸٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۸٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۰۰۰=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت عدم وجود اعتیاد اعضای خانواده عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۱۹: تاثیر اعتیاد و عدم اعتیاد والدین در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P -value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
اعتیاد والدین یا اعضای خانواده	بزهکار	تعداد	۲۶	۲۰	۲	۱	۱	۵۰	۰/۰۰۰
		درصد	۵۲	۴۰	۴	۲	۲	۱۰۰	
عدم وجود اعتیاد اعضای خانواده	سالم	تعداد	۳۲	۱۰	۴	۲	۲	۵۰	۰/۰۰۰
		درصد	۶۴	۲۰	۸	۴	۴	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۲۰، ۳۱ نفر از ۵۰ نفر (۶۲٪)از افراد کم رنگ یا بی اهمیت شدن ارزش های دینی و اخلاقی خانواده را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۳۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۰۰۱=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت کم رنگ یا بی اهمیت شدن ارزش های دینی و اخلاقی خانواده عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۹ نفر از ۵۰ نفر (۵۸٪)از افراد سالم اعتقاد به ارزشهای دینی و اخلاقی را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۱۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۳۰٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۰۰۸=Pvalueحاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت اعتقاد به ارزش های دینی و اخلاقی عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۲۰: تاثیر اعتقاد و بی اعتقادی به ارزشهای دینی و اخلاقی در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P -value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
کم رنگ یا بی اهمیت شدن ارزشهای دینی و اخلاقی خانواده	بزهکار	تعداد	۱۶	۱۵	۳	۱۱	۵	۵۰	۰/۰۰۱
		درصد	۳۲	۳۰	۶	۲۲	۱۰	۱۰۰	
اعتقاد به ارزشهای دینی و اخلاقی	سالم	تعداد	۲۰	۹	۱۵	۶	۰	۵۰	۰/۰۰۸
		درصد	۴۰	۱۸	۳۰	۱۲	۰	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۲۱، ۴۷ نفر از ۵۰ نفر (۹۴٪)از افراد فاسد و تبهکار بودن اعضای خانواده را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۴٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۰۰۰=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت فاسد و تبهکار بودن اعضای خانواده عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۴۹ نفر از ۵۰ نفر (۹۸٪)از افراد سالم فاسد و تبهکار نبودن اعضای خانواده را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند.با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۰۰۰=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت فاسد و تبهکار نبودن اعضای خانواده عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۲۱: تاثیر فاسد و تبهکار بودن و نبودن اعضای خانواده در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P -value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
فاسد و تبهکار بودن اعضای خانواده	بزهکار	تعداد	۳۴	۱۳	۱	۰	۲	۵۰	۰/۰۰۰
		درصد	۶۸	۲۶	۲	۰	۴	۱۰۰	
فاسد و تبهکار نبودن اعضای خانواده	سالم	تعداد	۳۱	۱۸	۱	۰	۰	۵۰	۰/۰۰۰
		درصد	۶۲	۳۶	۲	۰	۰	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۲۲، ۲۰ نفر از ۵۰ نفر (۴۰٪)از افراد عدم دسترسی والدین و فرزندان به رسانه های گروهی و اطلاعاتی مناسب را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۵۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۰٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۵۶=Pvalue حاکی از قبول فرضیه H0 بوده و می توان گفت عدم دسترسی والدین و فرزندان به رسانه های گروهی و اطلاعاتی مناسب عامل موثری در گرایش به بزهکاری نمی باشد. ۲۲ نفر از ۵۰ نفر (۴۴٪)از افراد سالم فاسد و تبهکار نبودن اعضای خانواده را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۵۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۳۳=Pvalue حاکی از قبول فرضیه H0 بوده و می توان گفت دسترسی والدین و فرزندان به رسانه های گروهی و اطلاعاتی مناسب عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار نمی آید.

جدول ۲۲: تاثیر رسانه ها در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P - value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
عدم دسترسی به رسانه های گروهی و اطلاعاتی مناسب	بزهکار	تعداد	۱۰	۱۰	۵	۱۲	۱۳	۵۰	۰/۵۶
		درصد	۲۰	۲۰	۱۰	۲۴	۲۶	۱۰۰	
دسترسی به رسانه های گروهی و اطلاعاتی مناسب	سالم	تعداد	۱۳	۹	۳	۱۸	۷	۵۰	۰/۳۳
		درصد	۲۶	۱۸	۶	۳۶	۱۴	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۲۳، ۳۴ نفر از ۵۰ نفر (۶۸٪)از افراد استفاده خانواده از نشریات و کتب و فیلم های مبتذل را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۲۸٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۴٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۰۰۰=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت استفاده خانواده از نشریات و کتب و فیلم های مبتذل عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۷ نفر از ۵۰ نفر (۵۴٪)از افراد سالم استفاده از نشریات و وسایل ارتباط جمعی سالم را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۴۴٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۰۳۱=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت استفاده از نشریات و وسایل ارتباط جمعی سالم عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید

جدول ۲۳: تاثیر استفاده و عدم استفاده از نشریات و کتب و فیلم های مبتذل در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P -value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
استفاده خانواده از کتب و فیلم های مبتذل	بزهکار	تعداد	۱۸	۱۶	۲	۶	۸	۵۰	۰/۰۰۰
		درصد	۳۶	۳۲	۴	۱۲	۱۶	۱۰۰	
استفاده از نشریات و وسایل ارتباط جمعی سالم	سالم	تعداد	۱۷	۱۰	۱	۱۹	۳	۵۰	۰/۰۳۱
		درصد	۳۴	۲۰	۲	۳۸	۶	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۲۴، ۳۱ نفر از ۵۰ نفر (۶۲٪)از افراد بی سوادی والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۳۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۰۰۱=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت بی سوادی والدین عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۰ نفر از ۵۰ نفر (۴۰٪)از افراد سالم عدم بی سوادی والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۵۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۰٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر

دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۵۶=Pvalue حاکی از قبول فرضیه H0 بوده و می توان گفت عدم بی سوادی والدین عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار نمی آید.

جدول ۲۴: تاثیر سواد والدین در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P – value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
بی سوادی والدین	بزهکار	تعداد	۱۵	۱۶	۳	۹	۷	۵۰	۰/۰۰۱
		درصد	۳۰	۳۲	۶	۱۸	۱۴	۱۰۰	
عدم بی سوادی والدین	سالم	تعداد	۱۲	۸	۵	۲۲	۳	۵۰	۰/۵۶
		درصد	۲۴	۱۶	۱۰	۴۴	۶	۱۰۰	

با توجه به یافته های جدول ۲۵، ۲۵ نفر از ۵۰ نفر (۵۰٪)از افراد تحصیلات کم والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند.۳۸٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۲٪از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۰۹۸=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت تحصیلات کم والدین عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۳ نفر از ۵۰ نفر (۴۶٪)از افراد سالم داشتن تحصیلات عالی والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۵۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار۰/۲۳=Pvalue حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت داشتن تحصیلات عالی والدین عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۲۵: تاثیر تحصیلات والدین در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					جمع کل	P -value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم		
تحصیلات کم والدین	بزهکار	تعداد	۱۴	۱۱	۶	۱۲	۷	۵۰	۰/۰۹۸
		درصد	۲۸	۲۲	۱۲	۲۴	۱۴	۱۰۰	
داشتن تحصیلات عالی والدین	سالم	تعداد	۱۱	۱۲	۱	۱۸	۸	۵۰	۰/۲۳
		درصد	۲۲	۲۴	۲	۳۶	۱۶	۱۰۰	

عوامل ذکر شده به ترتیب اولویت در عدم انحراف گرایی نوجوانان سالم به سوی بزهکاری موثر می باشند.۱- موقعیت و محیط سالم و بدور از آشفتگی و آلودگی خانواده۷۹٪، ۲- عدم مهاجرت۴۸٪، ۳- موقعیت اقتصادی۴۷٪، ۴- نبود فقر فرهنگی ۴۶٪،۵- محیط اجتماعی ۳۸٪.

۴،۸.آزمون فرضیه ها

الف) فرضیه اول: بین شرایط اقتصادی خانواده وگرایش اطفال و نوجوانان شهرستان خوی به سوی بزهکاری ارتباط وجود دارد(جدول ۲۶).

جدول ۲۶: آزمون فرضیه اول

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					P-value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم	
پایین بودن سطح درآمد خانواده	بزهکار	تعداد	۲۱	۲۰	۲	۲	۵	۰/۰۰۰
		درصد	۴۲	۴۰	۴	۴	۱۰	
فقدان یا کمبود امکانات رفاهی	بزهکار	تعداد	۱۲	۱۴	۶	۷	۱۱	۰/۰۵۷
		درصد	۲۴	۲۸	۱۲	۱۴	۲۲	
عدم برخورداری نوجوان از پول توجیبی	بزهکار	تعداد	۱۶	۱۶	۳	۷	۸	۰/۰۰۱
		درصد	۳۲	۳۲	۶	۱۴	۱۶	
شاغل بودن توام والدین	بزهکار	تعداد	۱۷	۱۲	۶	۷	۸	۰/۰۰۲
		درصد	۳۴	۲۴	۱۲	۱۴	۱۶	
چند شغلی بودن پدر خانواده	بزهکار	تعداد	۴	۸	۱۳	۹	۱۶	۰/۹۹
		درصد	۸	۱۶	۲۶	۱۸	۳۲	

۸۲٪ از افراد بزهکار میزان سطح در آمد خانواده ها را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدارP-value=0.000 حاکی از رد فرضیه H0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت پایین بودن سطح در آمد خانوار عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد.

۵۲٪ از افراد بزهکار فقدان یا کمبود امکانات رفاهی را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدارP-value=۰/۰۵۷ حاکی از رد فرضیه H0 بوده و می توان گفت فقدان یا کمبود امکانات رفاهی عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد.

۶۴٪ از افراد بزهکار میزان عدم برخورداری نوجوان از پول توجیبی را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند با توجه به مقدار۰/۰۰۱ =p-value می توان گفت عدم برخورداری نوجوان از پول توجیبی عامل موثر به حساب می آید.

۵۸٪ از نوجوانان بزهکار شاغل بودن توام والدین را در بزهکاری خود موثر دانسته اند با توجه به مقدارp-value=۰/۰۰۲ می توان گفت این عامل در بزهکاری آنها موثر می باشد. پاسخ ۲۴٪ نوجوانان بزهکار به تاثیر چند شغلی بودن والدین در بزهکاری آنها با p-۰/۹۹ value= نشاندهنده ی این است که این عامل در بزهکاری آنها عامل موثری به حساب نمی آید. در مجموع۵۶٪ از بزهکاران معتقدند فقر اقتصادی یکی از دلایل انحراف گرایی آنها می باشد. از این رو می توان نتیجه گرفت بین شرایط اقتصادی و گرایش نوجوانان شهرستان خوی به سوی بزهکاری ارتباط وجود دارد.

ب)فرضیه دوم: بین عوامل اجتماعی و گرایش نوجوانان شهرستان خوی به سوی بزهکاری ارتباط وجود دارد(جدول ۲۷).

جدول ۲۷:آزمون فرضیه دوم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم	P-value
مهاجرت از روستا به شهر	بزهکار	تعداد	۱۹	۱۷	۳	۷	۴	۰/۰۰۰
		درصد	۳۸	۳۴	۶	۱۴	۸	
سکونت نوجوان در شهرهای مهاجرنشین	بزهکار	تعداد	۱۱	۱۱	۸	۱۰	۱۰	۰/۳۳
		درصد	۲۲	۲۲	۱۶	۲۰	۲۰	
انتقال پدر و مهاجرت بخاطر کسب مسائل شغلی	بزهکار	تعداد	۱۶	۱۳	۱	۱۱	۹	۰/۰۰۸
		درصد	۳۲	۲۶	۲	۲۲	۱۸	
معاشرت نوجوان با افراد ناباب و منحرف	بزهکار	تعداد	۲۶	۲۱	۰	۳	۰	۰/۰۰۰
		درصد	۵۲	۴۲	۰	۶	۰	
رسانه های گروهی و وسایل ارتباط جمعی آلوده	بزهکار	تعداد	۲۵	۱۶	۱	۵	۳	۰/۰۰۰
		درصد	۵۰	۳۲	۲	۱۰	۶	
محیط های آموزشی نامناسب و فاسد	بزهکار	تعداد	۱۸	۱۰	۱	۸	۱۳	۰/۰۱۶
		درصد	۳۶	۲۰	۲	۱۶	۲۶	
مرز و فساد های ناشی از آن	بزهکار	تعداد	۷	۶	۲	۱۱	۲۴	۰/۹۷
		درصد	۱۴	۱۲	۴	۲۲	۴۸	
ناسازگاری والدین	بزهکار	تعداد	۲۴	۱۷	۴	۵	۰	۰/۰۰۰
		درصد	۴۸	۳۴	۸	۱۰	۰	
ترک یکی از والدین یا طلاق	بزهکار	تعداد	۲۷	۱۶	۱	۳	۳	۰/۰۰۰
		درصد	۵۴	۳۲	۲	۶	۶	
تبعیض و کمبود محبت	بزهکار	تعداد	۲۳	۱۴	۵	۸	۰	۰/۰۰۰
		درصد	۴۶	۲۸	۱۰	۱۶	۰	

ادامه جدول ۲۷:آزمون فرضیه دوم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم	P-value
کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا	بزهکار	تعداد	۲۷	۱۵	۱	۵	۲	۰/۰۰۰
		درصد	۵۴	۳۰	۲	۱۰	۴	
وجود اختلال روانی دروالدین	بزهکار	تعداد	۲۶	۱۶	۲	۳	۳	۰/۰۰۰
		درصد	۵۲	۳۲	۴	۶	۶	
فوت والدین	بزهکار	تعداد	۲۴	۲۰	۰	۴	۲	۰/۰۰۰
		درصد	۴۸	۴۰	۰	۸	۴	
اعتیاد والدین یا اعضای خانواده	بزهکار	تعداد	۲۶	۲۰	۲	۱	۱	۰/۰۰۰
		درصد	۵۲	۴۰	۴	۲	۲	
کم رنگ یا بی اهمیت شدن ارزشهای دینی و اخلاقی خانواده	بزهکار	تعداد	۱۶	۱۵	۳	۱۱	۵	۰/۰۰۱
		درصد	۳۲	۳۰	۶	۲۲	۱۰	
فاسد و تبهکار بودن اعضای خانواده	بزهکار	تعداد	۳۴	۱۳	۱	۰	۲	۰/۰۰۰
		درصد	۶۸	۲۶	۲	۰	۴	
عدم دسترسی والدین و فرزندان به رسانه های گروهی و اطلاعاتی	بزهکار	تعداد	۱۰	۱۰	۵	۱۲	۱۳	۰/۵۶
		درصد	۲۰	۲۰	۱۰	۲۴	۲۶	
استفاده خانواده از نشریات و کتب و فیلمهای مبتذل	بزهکار	تعداد	۱۸	۱۶	۲	۶	۸	۰/۰۰۰
		درصد	۳۶	۳۲	۴	۱۲	۱۶	
بی سوادی والدین	بزهکار	تعداد	۱۵	۱۶	۳	۹	۷	۰/۰۰۱
		درصد	۳۰	۳۲	۶	۱۸	۱۴	
تحصیلات کم والدین	بزهکار	تعداد	۱۴	۱۱	۶	۱۲	۷	۰/۰۹۸
		درصد	۲۸	۲۲	۱۲	۲۴	۱۴	

۷۲٪ از بزهکاران با$p\text{-value}=۰/۰۰۰$ مهاجرت از شهر به روستا را در بزهکاری خود موثر دانسته اند. با توجه به نتیجه ی فوق مهاجرت از شهر به روستا عامل موثری در بزهکاری می باشد. ۴۴٪ از بزهکاران با$p\text{-value}=۰/۳۳$ سکونت در شهرهای مهاجر نشین را به عنوان عامل موثر بر بزهکاری خود عنوان کرده اند. با توجه به نتیجه ی فوق سکونت در شهرهای مهاجر نشین عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد.با توجه به پاسخ نوجوانان بزهکار ۵۸٪ با $p\text{-value}=۰/۰۰۸$ در خصوص انتقال پدر ومهاجرت به خاطر کسب مسائل شغلی می توان گفت این عامل نقش موثری را در بزهکاری نوجوانان شهرستان خوی ایفا می کند.

با توجه به پاسخ مثبت ۹۴٪ نوجوانان بزهکار شهرستان خوی در خصوص تاثیر معاشرت با افراد ناباب و منحرف بر بزهکاری با $p\text{-value}=۰/۰۰۰$ می توان گفت این عامل نقش موثری را در بزهکاری ایفا می کند. پاسخ مثبت۸۲٪ نوجوانان بزهکار با $p\text{-value}= ۰/۰۰۰$ نشان دهنده ی این است که رسانه های گروهی و وسایل ارتباط جمعی آلوده نقش موثری را در بزهکاری ایفا می کنند. پاسخ ۵۶٪ از نوجوانان بزهکار با$p\text{-value}= ۰/۰۱۶$ در خصوص تاثیر محیط های آموزشی نامناسب و فاسد، نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد. ۲۶٪ از افراد بزهکار مرز و فساد های ناشی از آن را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار$P\text{-value}=۰/۹۷$ حاکی از قبول فرضیه H0 بوده و می توان گفت مرز و فساد های ناشی از آن عامل موثری در گرایش به بزهکاری نمی باشد.

۸۲٪ از نوجوانان بزهکار معتقدند که ناسازگاری والدین نقش موثری را در بزهکاری ایفا می کند با توجه به$p\text{-value}= ۰/۰۰۰$ می توان گفت این عامل نقش موثری در بزهکاری نوجوانان خویی ایفا می کند. پاسخ مثبت۸۶٪ از نوجوانان بزهکار با$p\text{-value}= ۰/۰۰۰$ نشان دهنده نقش موثر ترک یکی از والدین یا طلاق در بزهکاری می باشد .پاسخ مثبت ۷۴٪ از بزهکاران ، با $p\text{-value}=0/000$ در خصوص تاثیر وجود تبعیض و کمبود محبت نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد .پاسخ مثبت ۸۴٪ از بزهکاران با $p\text{-value}=0/000$ در خصوص تاثیر کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا نشاند هنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد .پاسخ مثبت ۸۴٪ از بزهکاران

و با p-value=0/000 در خصوص تاثیر وجود اختلالات روانی والدین نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۸۸٪ از بزهکاران با p-value=0/000 در خصوص تاثیر فوت والدین نشاندهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۹۲٪ از بزهکاران با p-value=0/000 در خصوص تاثیر وجود اعتیاد اعضای خانواده نشاندهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۶۲٪ از بزهکاران با۰/۰۰۱ =p-value در خصوص تاثیر کم رنگ یا بی اهمیت شدن ارزش های دینی و اخلاقی خانواده نشاندهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۹۴٪ از بزهکاران با p-value=0/000 در خصوص تاثیر فاسد و تبهکار بودن اعضای خانواده نشاندهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد.

پاسخ مثبت ۴۰٪ از بزهکاران با p-value=۰/۵۶ در خصوص تاثیر عدم دسترسی والدین و فرزندان به رسانه های گروهی و اطلاعاتی مناسب نشاندهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری نمی باشد. پاسخ مثبت ۶۸٪ از بزهکاران با p-value = ۰/۰۰۰ در خصوص تاثیر استفاده خانواده از نشریات و کتب و فیلم های مبتذل نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۶۲٪ از بزهکاران با p- value= ۰/۰۰۱ در خصوص تاثیر بی سوادی نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۵۰٪ از بزهکاران با p-value= ۰/۰۹۸ درخصوص تاثیر بی سوادی والدین، نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد

و) فرضیه سوم: محیط سالم و بدور از هر گونه فساد و آشفتگی و...خانواده می تواند مانعی در مقابل انحراف گرایی اطفال و نوجوانان شهرستان خوی باشد(جدول ۲۸).

جدول ۲۸:آزمون فرضیه دوم

عوامل تاثیر گذار	گروه		پاسخ					P-value
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیارکم	
سازگاری والدین	سالم	تعداد	۲۷	۱۷	۳	۳	۰	۰/۰۰۰
		درصد	۵۴	۳۴	۶	۶	۰	
عدم ترک یکی از والدین و یا طلاق	سالم	تعداد	۲۷	۱۶	۵	۱	۱	۰/۰۰۰
		درصد	۵۴	۳۲	۱۰	۲	۲	
عدم وجود تبعیض و کمبود محبت	سالم	تعداد	۲۵	۱۴	۷	۳	۱	۰/۰۰۰
		درصد	۵۰	۲۸	۱۴	۶	۲	
عدم کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا	سالم	تعداد	۲۶	۲۰	۲	۱	۱	۰/۰۰۰
		درصد	۵۲	۴۰	۴	۲	۲	
سلامت روانی والدین	سالم	تعداد	۲۲	۸	۸	۶	۶	۰/۰۰۳
		درصد	۴۴	۱۶	۱۶	۱۲	۱۲	
حضور والدین	سالم	تعداد	۲۰	۱۶	۵	۵	۴	۰/۰۰۰
		درصد	۴۰	۳۲	۱۰	۱۰	۸	
عدم وجود اعتیاد اعضای خانواده	سالم	تعداد	۳۲	۱۰	۴	۲	۲	۰/۰۰۰
		درصد	۶۴	۲۰	۸	۴	۴	
اعتقاد به ارزشهای دینی و اخلاقی	سالم	تعداد	۲۰	۹	۱۵	۶	۰	۰/۰۰۸
		درصد	۴۰	۱۸	۳۰	۱۲	۰	
فاسد و تبهکار نبودن اعضای خانواده	سالم	تعداد	۳۱	۱۸	۱	۰	۰	۰/۰۰۰
		درصد	۶۲	۳۶	۲	۰	۰	

۸۸٪ نوجوانان سالم معتقدند سازگاری والدین نقش موثری در عدم بزهکاری دارد با توجه به۰/۰۰۰ =p-value می توان گفت این عامل نقش موثری در عدم بزهکاری ایفا می کند. پاسخ مثبت ۸۶٪ نوجوانان سالم با۰/۰۰۰ =p-value نشان دهنده ی نقش موثر عدم ترک والدین و یا طلاق در عدم انحراف گرایی می باشد. پاسخ مثبت ۷۸٪ از نوجوانان سالم با p-value=0/000 در خصوص تاثیر عدم وجود تبعیض و کمبود محبت نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر عدم بزهکاری می باشد. .پاسخ مثبت ۹۲٪ از نوجوانان سالم با p-value=0/000 در خصوص تاثیر عدم کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر عدم بزهکاری می باشد .پاسخ مثبت ۶۰٪ از نوجوانان سالم با ۰/۰۰۳=p- value در خصوص تاثیر عدم وجود اختلالات روانی والدین نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر عدم بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۷۲٪ از نوجوانان سالم با p-value=0/000 در خصوص تاثیر در قید حیات بودن والدین نشان

دهنده ی نقش موثر این عامل بر عدم بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۸۴٪ از نوجوانان سالم با p-value=0/000 در خصوص تاثیر عدم وجود اعتیاد اعضای خانواده نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر عدم بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۵۸٪ از نوجوانان سالم با p-۰/۰۰۸ =value در خصوص تاثیر کم رنگ یا بی اهمیت نشدن ارزش های دینی و اخلاقی خانواده نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر عدم بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۹۸٪ از نوجوانان سالم با p-value=0/000 در خصوص تاثیر فاسد و تبهکار نبودن اعضای خانواده نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر عدم بزهکاری می باشد.

۹. سپاسگزاری

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده با عنوان(بررسی دلایل جرم گرایی اطفال و نوجوانان شهرستان خوی و نقش خانواده به عنوان مانع بزهکاری در شهرستان خوی) است که با راهنمایی استاد دکتر عادل ساریخانی و استاد مشاور دکتر ابوالفتح خالقی در دانشکده آموزش های الکترونیکی دانشگاه قم در زمستان ۱۳۹۱ دفاع شده است. که از همه اساتید محترم و تمامی مصاحبه شوندگان کمال تشکر و قدردانی را می نمایم.

۱۰. نتیجه گیری

مهم ترین علت گرایش اطفال و نوجوانان شهرستان خوی به سوی جرم و بزهکاری ریشه در خانواده های آنها دارد.۸۲٪ از بزهکاران شهرستان خوی یکی از دلایل انحراف گرایی خود را خانواده خویش معرفی کرده اند. این افراد با متاثر شدن از شرایط و اوضاع و احوال نامساعد، آشفته و فاسد خانواده هایشان به سوی بزهکاری کشیده شده اند. بی مهری ها و بی توجهی ها در نتیجه ی دست و پنجه نرم کردن خانواده ها با مشکلات خانوادگی، اجتماعی و...، اعمال رفتارهای تبعیض آمیز در نتیجه ی وجود افکار و عقاید نادرست و عدم مقبولیت جنسی و رفتاری فرزند، نازپروری و بخشیدن آزادی های مطلق به فرزندان، به کارگیری رفتارهای مستبدانه و پرخاشگرانه و به کارگیری غیر اخلاقی ترین روش ها در مقابل کوچکترین اشتباهات فرزندان از ضرب و شتم گرفته تا محرومیت از خوردن و آشامیدن، فساد اخلاقی اعضای خانواده همچون، برقراری روابط نامشروع آنها با افراد بیگانه در مقابل دیدگان کودکان، اغفال، تحریک، ترغیب و تهدید اطفال و نوجوانان توسط اعضای منحرف خانواده به منظور انحراف گرایی، زندگی درخانواده های جرم گرا و تبهکار، مشاهده ی ناسازگاری ها،داد و فریاد ها، ضرب و شتم ها، خیانت ها، بی سرپرستی، ازدواج مجدد والدین و بروز مشکلات جسمی و روحی، اشتغال به کار والدین و به فراموشی سپردن فرزندانشان در نتیجه مواجه شدن با مشکلات گوناگون،کثرت جمعیت خانواده و سرو صدا ها و محرومیت از داشتن کوچکترین امکانات رفاهی، اعتیاد اعضای خانواده و حتی خود کودکان همه و همه اطفال و نوجوانان شهرستان خوی را وادار به انجام اعمال نادرست از فرار از منزل گرفته تا گرایش به انجام اعمال بزهکارانه می کنند. محیط های اجتماعی آلوده ی شهرستان خوی با ۶۴٪ دومین دلیل بزهکاری اطفال و نوجوانان این شهر می باشد. ۵۸٪ از بزهکاران مهاجرت را به عنوان دلیل بزهکاری خود عنوان کرده اند. فقر فرهنگی خانواده ها ی شهرستان خوی نیز بی تاثیر در انحراف گرایی آنها نمی باشد. فقر و بیکاری در نتیجه ی بسته شدن و به تعطیلی کشیده شدن کارگاه ها و کارخانه ها در نتیجه ی رکودهای اقتصادی، بی کیفیت بودن کالاهای تولیدی و نبود بازار فروش و همچنین وجود تورم و متحمل خسارت شدن جمع زیادی از کشاورزان در نتیجه ی نزول بلایای طبیعی و عدم و یا حمایت های ناچیز دولت از آنها، برخی ازخانواده ها را با شرایط نامناسب اقتصادی مواجه و آنها را مجبور به انحراف گرایی به منظور مبارزه با فقر خانواده هایشان می کند. خانواده های سالم این شهر می دانند، این وظیفه ی خانواده ها و بالاخص والدین می باشد که زمینه ها و شرایط مناسب برای فرزندانشان را به منظور علاقه مند ساختن و تشویق کردن آنها به تحصیل و جلوگیری از رویارویی آنها با خطرات و انحرافات احتمالی را فراهم سازند. هرگز نسبت به رفع خواسته های مادی و معنوی فرزندانشان بی توجه نمی شوند. و متناسب با قدرت و توان مالی خویش در جهت رفع نیازهای معنوی خود از طریق مسافرت و تفریح اقدام می کنند.

مراجع

[1] عاشرزاده، حامد؛(۱۳۹۱)، مشاور خانواده، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۱/۴/۶

[2] ولیزادگان، جواد،(۱۳۹۱)، مشاور خانواده، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۱/۳/۱۷

[3] عمید، حسن؛(۱۳۵۱)، فرهنگ عمید، تهران، نشر جاویدان، ص۷۹۸.

[4] به پژوه، احمد؛(۱۳۷۶)، اصول برقراری رابطه ی انسانی با کودک و نوجوان، چ۳، تهران، نشر رویش، ص۳۴.

[5] گیل، لیندن فیلد؛(۱۳۸۳)، اعتماد به نفس در نوجوانان، ترجمه: توران دخت تمدن، تهران، انتشارات نقش و نگار، ص۷۲.

[6] صفوی، امان الله؛(۱۳۶۴)، پدیده های جنایی در غرب و مسائل نوجوانی، تهران: انتشارات کبیر، ص ۳۱.

[7] سادات، محمد علی؛(۱۳۷۵)، رفتار والدین با فرزند، چ۴، تهران، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی، ص۵۱.

[8] اندن، استوبر؛(۱۳۷۶)، مروری بر حقوق جزای انگلستان، ترجمه و توضیحات: دکتر حسین میرمحمد صادقی، نشر حقوقدان، ص۱۱۲.

[9] نیکزاد، محمود و همکاران؛(۱۳۷۹)، اصول نظریه های تربیتی، انتشارات ققنوس، ص۵۱.

[10] معین، محمد؛(۱۳۸۷)، فرهنگ معین، چاپ ۱۴، تهران، انتشارات معین، ص۴۷۸.

[11] www.saeidstar.blogfa.com

[12] بستان نجفی، حسین؛(۱۳۸۹)، اسلام و جامعه شناسی خانواده، چ۵، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ص۴۶.

[13] ساروخانی، باقر؛(۱۳۷۰)، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، چ۱، تهران، انتشارات سروش، ص۱۳۶.

[14] کریمی، محمد؛(۱۳۹۱)، مشاور خانواده، تاریخ مصاحبه ۲۱ /۱۳۹۱/۳

[15] مظفری، علی؛(۱۳۹۱)، مددکار اجتماعی، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۱/۲/۱۴

[16] www.Dad set ani.ir

[17] بروسان، م؛(۱۳۹۱)، معاون کانون اصلاح و تربیت، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۱/۲/۵